



پس از آنکه صادق طباطبایی درگذشت، یکی از نکته‌هایی که درباره او مطرح می‌شد، شیوه لباس‌پوشیدن او بود. کراواتی که بعد به دستمال‌گردن تبدیل شد و کت‌وشلوار اتوکشیده‌اش، او را از بقیه سیاستمداران اول انقلاب متمایز می‌کرد. بحث سیاستمدار خوش‌پوش و متفاوت چندروزی است که مطرح است. به نظر می‌رسد سیاستمداران مرد و زن در آن‌سوی آب‌ها راحت‌تر هستند اما آنان نیز اصولی دارند که هرگونه تخطی از آن با واکنش‌های شدید روبه‌رو می‌شود. در مقاله‌ای که گاردین منتشر کرده است، به این جزئیات در نحوه پوشیدن لباس پرداخته و جزئیاتی را درباره لباس‌های سیاستمداران عنوان کرده است.

هر فردی با شاخصه‌های کلی شغلی‌اش، لباس مخصوص خودش را دارد. همانطور که نمی‌توان از یک ورزشکار انتظار داشت که در مسابقه ورزشی، کت‌وشلوار بپوشد، نمی‌توان از یک سیاستمدار هم انتظار داشت که با لباس ورزشی در محافل مهم سیاسی ظاهر شود. ورود به دنیای سیاست در اولین‌قدم باید همراه با انتخاب لباس درست باشد؛ لباسی که بتواند قدرت را نشان دهد.

موهای بلند هیلاری

اگر هیلاری کلینتون نمی‌تواند موهایش را عقب بکشد، شما هم نمی‌توانید. زمانی که هیلاری کلینتون در کابینه باراک اوباما حضور داشت، انتقادهای زیادی به نحوه پوشش او از سوی رسانه‌ها مطرح می‌شد. یکی از این انتقاده‌ها، نحوه آرایش موهایش بود و بعد از مدتی تصمیم گرفت مدل موهای ساده دم‌اسبی را کنار بگذارد و شبیه یک سیاستمدار آرایش موهایش را انتخاب کند. جالب است بدانید که جان بوهر اجازه نمی‌دهد که هیچ‌کدام از کارمندان کاخ‌سفید موهایشان را دم‌اسبی درست کنند. در کاخ سفید استفاده از کلاه ممنوع است. بیشتر خانم‌ها در کاخ سفید موهایشان را کوتاه نگه می‌دارند، چراکه می‌دانند باید ظاهر خود را بدرستی حفظ کنند. اما در میان آنها «مارشا بلک بون» و «آر تی تنس» در تمام این

رنگ‌های ترس و وحشت

یکی از اتفاق‌های دهشت‌بار این روزها حضور داعش و فعالیت‌های ضدانسانی آنان است. آنان با تکیه بر احکام اسلام و تفسیر نادرست از آن، رفتار نادرستی با انسان‌ها و میراث بشری دارند. هرچند در کمال تعجب جذابیت این گروه برای زنان عرب و اروپایی آنقدر هست که با علاقه بسیار جذب آنها می‌شوند. هم‌چنین مردانی از گوشه‌وکنار دنیا همراهان آنها هستند و مجری جنایت‌های آنان. در طول این یکی، دوسالی که از تاسیس یا روی‌کارآمدن این گروه بنیادگرا گذشته است، تعداد رنگ‌ها و مدل لباس‌هایی که از آنان یا در ارتباط با آنان در ذهن‌ها باقی مانده محدود است و هربار سبب می‌شود که احساسات متفاوتی را با دیدن این لباس‌ها و رنگ‌هایشان تجربه کنیم. اگر

موروی بر صاویری از زنان

داشته باشیم سه‌تصویر

ماندگار است. هرچند شاید

مشهورترین رنگ لباسی

که در ذهنمان می‌ماند

متعلق به لحظه‌ای خاص

باشد که در انتهای مطلب

به آن هم اشاره می‌شود.

سفید

تصویر زنانی که پس

از حمله به شهرها و

خانه‌های آنان اسیر

داعشیان می‌شوند و

توسط آنها فروخته یا

کشته می‌شوند مانند زنان

ایزدی، یا همان زن کردی

که بریدن گردنش در قاب

تصویر ماندگار شد زنانی که به همراه فرزندان خود

به قتل رسیدند اما لباس سفید زنان ایزدی بیش از

دیگران در خاطره‌ها ماندگار شد.

سیاه

اما زناتی هم هستند که همراه داعش می‌شوند.

هرچند می‌گویند بردن نام داعش جریمه و تنبیه

به‌دنبال دارد. این زنان، یا همسران این مردهای

خوفناک هستند و گهگاه توسط سرویس‌های امنیتی

اسیر می‌شوند، یا جزو زنان برتر و کشتارکنندگان

همراه داعش هستند که با عشق و علاقه برای از

بین‌بردن شیعیان و اروپایی‌ها همراه شده‌اند. عده‌ای

دیگر از زنان نیز همان کسانی هستند که برای جهاد

نحاح در کنار مردان داعش قرار دارند، عده‌ای که



صاف‌واتوکشیده‌باش!

ترجمه: المیرا حصارکی

باید. انتخابات قبلی را به‌خاطر بیابورد، پل رایان همیشه ساعت‌ها برای انتخاب لباس وقت می‌گذاشت. او ظاهر ورزشکارانه‌ای داشت و زمان زیادی را در باشگاه‌های ورزشی صرف می‌کرد، اما همیشه به‌دلیل پوشیدن کت‌های بزرگ‌تر از سایزش مورد انتقاد قرار می‌گرفت. او را با میت رامنی مقایسه کنید؛ رامنی همیشه ظاهر آراست‌ای دارد. کتی را انتخاب می‌کند که اندازه‌اش است و در موقعیت‌های بیرون، این ظاهر آراسته خودش را حفظ می‌کند. اگر به‌طور جدی وارد دنیای سیاست شده‌اید، داشتن یک خیاط حرفه‌ای مهم‌ترین کار ممکن است.

استفاده از عینک

شاید باورکردن این نکته سخت باشد، اما هنوز هم این فکر سنتی در مورد استفاده از عینک وجود دارد؛ افراد عینکی، آدم‌های قابل‌اعتمادتری هستند و می‌توان روی صحبت‌های آنان حساب کرد. استفاده از عینک، ظاهر جدیدی فراهم می‌کند؛ ظاهری که می‌تواند به تکنیک‌های حرفه‌ای کمک زیادی کند. سناتور راند پاول صدقاً بارز همین نکته است. او به‌خوبی استفاده از عینک را یاد گرفته است و می‌داند کجا می‌تواند از این حربه برای تأثیرگذاری بیشتر استفاده کند.

رنگ سال

با ورود به سال جدید و انتخاب رنگ لباس سیاستمداران می‌توان به این نکته رسید که واقعا قرمز جایگزین رنگ مشکی شده است. دیگر لازم نیست برای حفظ ظاهر رسمی، رنگ مشکی را انتخاب کنید. به‌عنوان یک سیاستمدار، باید رنگی را انتخاب کنید که به چشم دیگران بیاید؛ رنگی که نشان می‌دهد دیگران به صحبت‌های



شما گوش می‌کنند. اگرچه ترکیب قرمز و مشکی همیشه انتخاب اول سیاستمداران بوده، اما می‌توانند از رنگ‌های کلاسیکی همچون عسلی و سفید مرواریدی هم استفاده کنند. این نکته قدیمی دیگر فراموش شده که استفاده از رنگ در لباس‌های یک سیاستمدار به‌معنای کمبود اعتمادبه‌نفس است. نمی‌توان لباس‌های رنگارنگ انتخاب کرد و از دیگران انتظار داشت که به چشم یک فرمانده به فرد نگاه کنند! البته گاهی اوقات می‌توان استثنا هم قایل شد؛ اگر هیلاری کلینتون و بوهر می‌توانند از رنگ صورتی‌تیره در لباس‌هایشان استفاده کنند، بقیه هم می‌توانند.

پوشیدن باورها

آلن گریسون و دی فلوریدا، دو فرمانده حزب جمهوریخواه هستند که باورها و عقیده‌هایشان از روی لباس‌پوشیدن آنها مشخص است. این دو فرمانده همیشه کراوات‌های عجیب انتخاب می‌کنند. با رنگ لباس‌های خود از موقعیت‌های سیاسی- اجتماعی که در دنیا به وجود آمده است، حمایت می‌کنند و از نشان‌دادن باورهای خود هیچ ترسی ندارند. می‌توان به همین بی‌پروایی لباس انتخاب کرد از نشان‌دادن باورها و عقاید تخرسید.

فریاد فرهنگ

زمانی که سیاستمدار وارد دنیای سیاست می‌شود، ارزش‌ها و فرهنگ‌های شخصی خود را نباید فراموش کند. عده‌ای به او رای داده‌اند تا روی آن صندلی بنشیند؛

مردمی که از پیشینه او باخبر بوده‌ند و شاید ملیت و قومیت فرد اولین دلیل انتخاب آنها بوده است. او دیگر به خود تعلق ندارد و نماینده عده زیادی از مردم است. در کابینه کاخ‌سفید همیشه شاهد فرمانده‌های زیادی بوده‌ایم که با توجه به ملیت خود لباس‌های خودشان را انتخاب می‌کنند. فرمانده نیویورک، پیترکینک یک ایرلندی تمام‌عیار است. او همیشه به قومیت خود افتخار می‌کند و در موقعیت‌های مختلف سعی کرده تا این نکته را به دیگران نشان دهد.

من لباس مشترکم

ما است» و «ما به هرنوع خشونت نه می‌گوییم.» این اقدام در اعتراض به افزایش برخوردهای خشونت‌آمیز با زنان افغانستان صورت گرفت. چندی پیش نیز مردان ترکیه‌ای دامن پوشیدند. آنان برای نشان‌دادن خشم و اعتراضشان به قتل اوزگه‌جان اصلان»، دانشجوی دختر ۲۰ساله با پوشیدن لباس زنانه به راهپیمایی در میدان تقسیم پرداختند. هرچند به‌دلیل بارش برف شدید از شمار جمعیت کاسته شد، اما دسته دیگری از تظاهرکنندگان که برخی از آنها به همراه خانواده‌هایشان آمده بودند، در خیابان «استقلال» که به منطقه «گالاتا» وصل می‌شود، به راهپیمایی پرداختند. جسد سوزانده‌شده اصلان در ۱۳آوریه گذشته در نزدیکی روزخانه «مرسین» پیدا شد. رجب طیب‌اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه هم چندروز بعد و به

مناسبت روز جهانی زن گفت: «می‌خواهم به‌عنوان رئیس جمهور ترکیه به همه جهان اعلام کنم که هرگونه تلاش به‌منظور مقابله با خشونت‌ها علیه زنان حمایت می‌کنم.»او همچنین گفت که با قاطعیت این موضوع را پیگیری خواهد کرد و وعده داد تیمی را در ترکیه مسؤول پیگیری این موضوع می‌کند و درباره سیاست‌های پرداخت‌های ناعادلانه و شرایط کاری غیرعادلانه برای زنان سخن گفت. او گفت: «مردان هیچ‌گونه برتری را نسبت به زنان ندارند. زنان هم همین‌طور.» حال باید دید واقعا این تغییر سیاست در ترکیه رخ می‌دهد. این چندمورد از آخرین واکنش‌های اجتماعی است که با پوشیدن لباس‌های متفاوت مطرح شده است. این روند البته در هر ماجرای به گونه‌ای مطرح می‌شود، هنگامی که عده‌ای در حمایت از حیوانات لباس‌های آنان را به تن می‌کنند یا با پوشیدن برخی لباس‌ها، حمایت یا انزجار خود را از جنگ مطرح می‌کنند. بعضی اوقات نیز پوشیدن لباس‌هایی یک‌رنگ در تظاهرات‌ها و راهپیمایی‌ها مثل رنگ‌های سرخ یا نارنجی یا… در هر کشوری حکایت از اعتراض یا حمایت از سیاستی دارد.

تجربه

کودکان سرمازده

درحالی‌که زمستان زندگی را برای پناهندگان سوری طاقت‌فرساتر می‌کند، مددکاران پزشکی در لبنان برای کمک‌های حیات‌بخش داوطلب شده‌اند. دره بکا، سوریه، حدود دوهفته پیش: یک زن سوری کفکش را درمی‌آورد و پایش را روی آتش کوچکی می‌گرفت و شوهرش دستانش را به هم می‌مالید. در نزدیکی آنها، روی بندرخت، لباس‌ها در باد سرد به سختی خشک می‌شوند. پناهندگان سوری که در پناهگاه‌های موقت دره بکا در لبنان زندگی می‌کنند، کوشش می‌کنند تا با زمستان توافرسا دست‌وپنجه نرم کنند. کولاک، بادهای تند، ادامه باران و سیل، مردم آسیب‌پذیر را وادار کرده است که برای زنده‌ماندن بچکنند. نوزادان و کودکانی که در معرض این شرایط آب‌وهوایی و زندگی رقت‌بار هستند، مستعد بیماری‌های تنفسی، آنفلوآنزا، تب و اسهال هستند. آواش، مادر چهار کودک، در ارتفاع ۹۰۰متری در یک چادر زندگی و کوشش می‌کند که کودکانش را از «کودک‌اتم مریض شدند و آنها را به یک واحد پزشکی بردیم. پولی نداریم که آنها را به بیمارستان ببریم. خدا را شکر که این واحد پزشکی خوب است.» پناهندگان سوری در پناهگاه‌هایشان دسترسی محدودی به مراکز سلامت عمومی دارند، این مراکز برای بسیاری، با خیلی دور یا گران است. یونیسف برای مقابله با این چالش، ۲۱واحد پزشکی برپا کرده است تا برای پناهندگان مراقبت‌های اولیه پزشکی رایگان را فراهم کند. این واحدهای پزشکی سیار که یونیسف از آن پشتیبانی و یک سازمان غیردولتی محلی آن را اداره می‌کند، در هر واحدی چادر دارد و کارکنان آن را وزارت سلامت عمومی لبنان تأمین می‌کند که شامل یک پزشک، دو پرستار، یک ماما و یک تریقاتی است.

وضعیت سخت اضطراری

واحدهای پزشکی دوسال است که به‌خاطر هجوم پناهندگان سوری مشغول به کار هستند و اکنون تعداد پناهندگان به ۱/۱میلیون نفر رسیده است. با این حال، آب‌وهوای جانفرسای اخیر شامل توفان زینا در اوایل ژانویه می‌شود که یکی از بدترین توفان‌های زمستانی در دهه گذشته بود و تلاش‌ها برای رسیدگی به پناهگاه‌های دارای کمک‌های پزشکی، دوجندان شده است. دکتر زین‌الدین سعد، از وزارت سلامت عمومی می‌گوید: «ما بعد از توفان در وضعیت اضطراری هستیم. از ما خواسته شده است که دست‌به‌کار شویم و به همه پناهندگان سوری کمک کنیم.» دکتر سعد فقط در یک‌روز بیماران را در پناهگاه‌ها می‌بیند. بیشتر آنها نوزادان، کودکان و مادرانی‌اند که سیستم تنفسی‌شان آسیب دیده است.

تیم‌های سلامت اضطراری

علاوه‌بر واحدهای سیار، تیم‌های سلامت اضطراری که شامل یک‌پزشک و یک پرستار است، برای دیدار در منزل فرستاده می‌شوند. پرستاری یک‌سطل پر از دارو را می‌برد و به پزشک خانمی که از چادری به چادر دیگر می‌رود و به بیماران می‌رسد، کمک می‌کند. چون پزشکان خاتم هستند، راحت‌تر آنها را در چادرها می‌پذیرند و نیاز کمتری برای برپایی ایستگاه پزشکی جداگانه است. دکتر فاطیما موسوی، از وزارت سلامت عمومی می‌گوید: «بیماران مشکل تنفسی، برونشیت، ورم لوزه و اسهال دارند. به‌همین‌دلیل، وجود ما برای جلوگیری از مسایل بیشتر حیاتی است.»

دسترسی دشوار

باوجود دسترسی سخت به پناهگاه‌ها، مددکاران تأثیر تلاش‌هایشان را می‌بینند. دکتر موسوی می‌گوید: «وقتی که توفان [زینا] آغاز شد، دسترسی به پناهگاه‌ها بسیار دشوار شد. برف می‌بارید و برق نبود. چاله‌های پرآب درون و بیرون چادرها دیده می‌شد.» او می‌گوید: «مهم‌ترین نکته این است که به‌موقع به پناهگاه‌ها رسیدیم.»

زندگی دیگران

پسری که جلاد شد

مترجم: ز روان بختیار

جلاد داعش هنگامی که شناسایی شد خانواده اش بسیار ناراحت شدند. محمد اموازی اما چندی بعد از آنان عذرخواسته است اما مطبوعات بسیار از او و گذشته اش نوشته اند.معلم سابقش می‌گوید: جان جهادی، جلاد وحشی داعش که اسیران بی‌گناه را سر می‌برد، زمانی پسری بسیار دوست‌داشتنی بود. این معلم که قرار است نامش فاش نشود، در مدرسه کوئینین‌کیناستون لندن درس می‌دهد و تأیید می‌کند محمد اموازی کمی مشکل داشت. او به بی‌بی‌سی گفت: متوجه شده بودیم خیلی عصبانی و خشمگین می‌شود و بسیار زمان می‌برد تا آرام شود. به همین دلیل در مدرسه کوشش کردیم به او برای مقابله با عصبانیت و مهار احساساتش کمک کنیم. راه‌حل پیشنهادی مدرسه: فرستادن این جلاد ۲۷ساله به روان‌درمانی برای مقابله با خشم. این معلم با پافشاری می‌گوید: ما این سال حلقه خود را بابت تمام کارهایی که برای او در مدرسه انجام دادیم، قس‌دردان بود. باوجود اینکه اینگونه افراد اغلب فقیر و بی‌کس هستند و از روی افسردگی به تروریسم رو می‌آورند. اموازی در یک‌خانواده متوسط در حومه لندن بزرگ شد، عاشق کارتون سمپسون و وسایل کامپیوتری بود و آرزو داشت که یک بازیکن فوتبال حرفه‌ای شود. معلم دیگری به پایگاه سان آولندن گفت: اموازی وقتی به دبیرستانی در محله جازز وود در لندن می‌رفت، با مذهب فاصله بسیاری داشت. این معلم به روزنامه‌ها گفت: او مثل خوانندگان رپ لباس می‌پوشید و آن زمان به موسیقی بسیار علاقه داشت. عاشق خواندگانی مثل استنوپ داک، امینم و توپک بود. مشروب و موادمخدر هم مصرف می‌کرد. او از دانشگاه وست‌مینستر در رشته برنامه‌ریزی کامپیوتر فارغ‌التحصیل شد؛ همان کالجی که یکی از دانشجویان سابقش را این هفته به منشأ تندروی اسلامی متهم کردند. اموازی بعدها در سربریدن وحشتناک استیون سالتف، خبرنگار آمریکایی، پیتز کاسیک، مددکار آمریکایی، دیوید هینز و آلن هنینگ، مددکاران انگلیسی و دو ژاپنی‌ی دیده شد. معلم سابق او گفت: نمی‌توانم باور کنم چنین کاری بکند. هفته‌نامه مدرسه سابق او این هفته نوشت که مدرسه از شنیدن این بدنامی بهت‌زده و متاثر است. این هفته‌نامه افزود که کارمندان مدرسه با مسوولان همکاری می‌کنند تا بتوانند کمکی کنند. طبق گزارشات اخیر، افسران انگلیسی با معلمان سابق اموازی مصاحبه کرده‌اند. همچنین گروه انگلیسی کیج که در زمینه مقابله با جنگ و تروریسم فعالیت دارد، اعلام کرد که آنها اموازی را از سال۲۰۰۹ زیرنظر داشتند و زیرسوال‌بردن مداوم اموازی از او یک افراطی ساخته است.



نکته

تحقیر یا امکان فرار

مردان در لباس زنانه

تصویر دیگری این روزها در خاطره‌ها ماندگار شده است. چه اعضای داعش، چه عضو گروه‌های همراه آنان همچون فرماندهان النصره در سوریه که در مواقع خطر با لباس‌های زنانه فرار می‌کنند. مثلا چندسال پیش یکی از فرماندهان جبهه النصره پس از پوشیدن لباس و انجام آرایش زنانه تلاش داشته از سوریه وارد لبنان شود که در محاصره نیروهای امنیتی در منطقه الجوسیه بازداشت شد. یا هربار که شدت حمله در بخشی از عراق افزایش می‌یابد چه در فلوجه، موصل و چه این‌روزها در تکریت و همرمان با گسترش عملیات نیروهای ارتش و مردمی عراق برخی نیروهای داعشی فرار را ترجیح می‌دهند اما با پوشش زنانه، هربار که خطوط دفاعی داعش شکسته شده، عناصر این گروه تروریستی از مناطق درگیری فرار می‌کنند. آنان ابایی ندارند که با لباس‌های زنانه بگریزند. همان زنانی که در مدت حکمرانی‌شان مقررات سختی برایشان تعیین می‌کنند و از آنان می‌خواهند فقط با محرمان خود در خیابان‌ها رفت‌وآمد کنند و برای محدودکردن آزادی‌های زنان، دادگاه ویژه زنان تشکیل داده و آرایشگاه‌های زنانه و فروشگاه‌های لباس زنانه را تعطیل و برای خروج زنان، ساعت مخصوص تعیین کردند. یا مثلاً در شهر رقه سوریه پوشیدن شلوار جین (برای زنان) ممنوع است همچنین نمایش لباس‌های زنانه در وترین، کارکردن مردان در فروشگاه لباس زنانه، ورود مردان به مغازه‌های لباس خیاطی زنانه، تبلیغ آرایشگاه‌های زنانه و حتی مراجعه زن به پزشک مرد ممنوع است. این مردان هنگام ترس لباس زنانه برتن می‌کنند. همان زنانی که طبق قوانین سختگیرانه‌شان نشستن بر صندلی را هم برایشان ممنوع کرده‌اند. البته گزارش شده است از دارالافتا، شرعی خاص گروهک القاعده صادر شده که در این فتوا پوشیدن لباس زنانه در هنگام ضرورت برای اعضا مباح اعلام شده و به نحوی به آن سفارش شده است. این فتوا به عنوان یک تاکتیک فرار از دست نیروهای امنیتی برای خدمت به هدف بزرگ‌تر و منفعت معرفی شده است.

